

روابط چین و هند: همکاری و رقابت

در ادامه سلسله مباحث اتاق فکر که هر سه‌شنبه با حضور مدیر کل دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مدیران مراکز مطالعاتی و کارشناسان برگزار می‌شود، در تاریخ ۱۹ خرداد ۱۳۸۸ موضوع فوق به بحث و بررسی گذاشته شد.

روابط دوجانبه است. این امر منجر به رکود در تعاملات دو کشور نشده است؛ زیرا که نخبگان دو کشور از روش‌های دیگری برای بسط ارتباطات و تعاملات استفاده می‌جویند. برای درک بهتر روابط دوجانبه در این گزارش ضمن بررسی روابط دو کشور به سؤالات زیر پاسخ داده می‌شود: - فراز و نشیب‌های روابط چین و هند چه بوده است؟ - مهمترین عوامل تأثیرگذار در روابط دو کشور چه هستند؟

- درک چین و هند از روابط با یکدیگر چیست؟

۱. فراز و نشیب‌های روابط چین و هند

در روابط میان هند و چین همواره شاهد فراز و نشیب‌هایی بوده‌ایم، اما در بافت تاریخی می‌توان آن را به سه مرحله مجزا تقسیم کرد.

الف) از زمان تأسیس جمهوری خلق چین در اکتبر ۱۹۴۹ تا آغاز خصومت‌ها در سال ۱۹۶۲ را می‌توان دوره دوستی و همکاری میان این دو غول آسیایی نامید. قانون این دوره را برادری هند و چین تشکیل می‌داد. پنج اصل

ارتباط میان دو غول آسیایی - چین و هند - به عنوان دو کشوری که بزرگ‌ترین بازار اقتصادی را داشته و از بیشترین رشد اقتصادی برخوردارند نه تنها در بعد منطقه‌ای که در ابعاد جهانی نیز اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. در واقع دو کشور چین و هند دو الگوی توسعه‌ای برای سایر کشورهای در حال توسعه به شمار می‌آیند. هند کشوری است با زیربنای دموکراتیک به گونه‌ای که به مثابه بزرگ‌ترین دموکراسی جهان مطرح و دارای رشدی ۹ درصدی است. ساختار سیاسی - اقتصادی هند حاکی از توزیع قدرت است. در حالی که چین کشوری کمونیستی با ساختاری متمرکز است که اصلاحات از بالا به پایین صورت می‌گیرد.

این دو کشور ۲۰ درصد جمعیت جهان را در خود جا داده‌اند. به‌رغم اشتراکات اقتصادی و جمعیتی، روند توسعه روابط این دو کشور همسایه فراز و فرودهایی دارد. اختلافات مرزی میان دو کشور، مهم‌ترین عامل کندی در

همزیستی صلح‌آمیز که به طور مشترک توسط دو کشور تنظیم و در کنفرانس سال ۱۹۵۶ باندونگ مطرح شد، قانون این دوره به شمار می‌آید.

ب) جنگ سال ۱۹۶۲ به افزایش عدم اعتماد متقابل منجر گشت، زیرا که چینی‌ها تصور کردند هندی‌ها با شورشیان تبتانی کرده بودند؛ این سوءظن با تصمیم دهلی نو به اعطای پناهندگی سیاسی به دالائی لاما و همدستان وی و اجازه تأسیس یک دولت در تبعید تبتی در هند به آنها، تقویت شد. اما هندی‌ها معتقد بودند که چینی‌ها از به رسمیت شناختن خط مک ماهون - مرز تعیین شده از سوی بریتانیا - به عنوان مرز قانونی هند و چین اجتناب کرده و ادعا کردند که هند بخشی از خاک چین را در مالکیت غیر قانونی خود دارد.

جنگ با شکست هند و پیروزی چین همراه بود. در این دوره اتکاء هند به شوروی بود (شکاف مناسبات چین و شوروی) و همکاری بین چین و آمریکا آغاز شد (دیپلماسی پینگ پنگ).

دوره دشمنی هند و چین به نقطه پرتگاه نرسید بلکه به روشی گام به گام از شدت آن کاسته شد تا آنکه در سال ۱۹۸۸ به دنبال دیدار راجیو گاندی، نخست‌وزیر هند از چین، سازش و آشتی به طور رسمی برقرار شد. پایان عصر مائو و دستیابی دنگ شیائو پنگ به قدرت، نشانه‌ای از آتش‌بس و پایان منازعات بود. بنابراین، درحالی که رهبری چین وعده داد فعالیت خود را به طور کامل بر توسعه اقتصادی متمرکز ساخته و از دخالت در هرگونه منازعه منطقه‌ای و بین‌المللی اجتناب ورزد، تلاش برای مدرنیزه نمودن به عنوان منشور کبیر اعلام شد. حرکت به سمت بهبود روابط با هند بخشی از فعالیتی گسترده‌تر در جهت قبولاندن صلح و دوستی به تمامی همسایگان و تمرکز بر ایجاد یک رابطه همکاری اقتصادی بود.

علت اصلی دیدار رسمی لی پنگ، نخست‌وزیر چین، از هند در دسامبر ۱۹۹۱ که اولین سفر یک نخست‌وزیر چین از این کشور پس از ۳۱ سال به شمار می‌آید، دستیابی به توافق در مورد جدایی موضوع مرزی از مسأله گسترش روابط تجاری، همکاری اقتصادی و مبادلات فرهنگی بود. بنابراین دو طرف موافقت کردند بازرگانی مرزی را براساس برابری و منافع متقابل احیا کرده، پس از ۲۹ سال کنسولگری‌های خود را در دهلی نو و شانگهای بازگشایی کرده و همکاری‌هایی را در زمینه‌های فضا، پزشکی و تکنولوژی آغاز کنند.

- دیدار رسمی نخست‌وزیر هند، ناراسیمها راتو از چین در سپتامبر ۱۹۹۳ نقطه عطف دیگری در توسعه روابط دو کشور به حساب آمد. توافقنامه مهمی که در دیدار راتو به امضا رسید، توافق در مورد حفظ صلح و آرامش در سراسر خط مرزی فعلی در مناطق مرزی هند و چین نام گرفت. برخلاف دیدگاه قدیمی مدیریت بحران، دو کشور توافق کرده بودند موضوعات مورد مشاجره را به تعویق اندازند تا روند همکاری را تسهیل بخشند. با این وجود، مکانیزم مذاکره در مورد مسأله مرزی نیز بخشی از این طرح صلح بود؛ اگرچه اجازه داده نشد تا نتیجه آن بر روند همکاری‌ها تأثیر بگذارد.

در نوامبر ۱۹۹۶ رئیس‌جمهور چین، جیانگ زمین، سفری رسمی از هند به عمل آورده و قراردادی را با دولت هند به ریاست نخست‌وزیر دیو گودا منعقد ساخت که کاهش دوجانبه توان نظامی و شبه‌نظامی را در سرتاسر خط مرزی فعلی پیش‌بینی کرده و هرگونه فعالیت نظامی که کشور دیگر را متأثر سازد منع می‌کند.

پس از آزمایش هسته‌ای هند در سال ۱۹۹۸ فرناندز وزیر دفاع وقت هند صراحتاً اعلام کرد که چین تهدیدی بسیار بیشتر از پاکستان برای امنیت هند محسوب

می‌گردد. وی گفت: یک تبت مستقل ضامن امنیت ما در مرزهای شمالی خواهد بود. وی در مورد مسائل مرزی خواست تا به گونه‌ای روشن و صریح از چینی‌ها خواسته شود از ادامه تهاجم به خاک هند که از سال ۱۹۵۰ یا به دنبال جنگ سال ۱۹۶۲ انجام گرفت دست بکشند.

بخشی از مطبوعات هند وی را فردی تک‌رو معرفی کردند که از روی انگیزه‌آنی و بدون تفکر عمل می‌کند. اما برخی نیز اعتقاد داشتند که فرناندز از جانب خود سخن نمی‌گفت، بلکه به عنوان سخنگوی تشکیلات دفاعی هند اعلام نظر می‌کرد. نقشه بزرگ پشت نطق وی ابتدا فراهم آوردن زمینه برای ارتش جهت درخواست بودجه بیشتر برای مسائل دفاعی و سپس سعی در متقاعد ساختن غرب در مورد اینکه چرا هند باید زرادخانه هسته‌ای خود را ارتقا بخشیده و برنامه‌های موشکی خود را پیش ببرد.

رهبری هند معتقد بود که این امر تنها می‌تواند علیه یک قدرت هسته‌ای نظیر چین توجیه پذیر باشد نه پاکستان ضعیف. چنانچه هدف چرخاندن سلاح تبلیغات به سمت چین، یافتن منطقی برای هسته‌ای شدن هند بوده، تغییر کانون امنیت از پاکستان به چین را قابل درک می‌نماید.

آزمایش هسته‌ای هند (۱۲ و ۱۳ ماه مه ۱۹۹۸)، جنگ روانی تندی را به دنبال داشت. عکس‌العمل شدید چین و تلاش‌های دیپلماتیک برای منزوی ساختن دهلی نو این کشور را وادار به تجدید روابط حسنه کرد. سیاستگذاران هندی علناً اظهارات خود در مورد تهدید چین را پس گرفتند و گفتند مایل به مسابقه تسلیحاتی با این کشور نیز نمی‌باشند. در ژوئن ۱۹۹۹ سینگ به چین سفر کرد. در بحبوحه تشدید بحران کارگیل بین هند و پاکستان، سینگ وارد چین شد. هند از موضع بی‌طرفانه

چین در مورد این منازعه بسیار قدردانی کرد. روند عادی سازی روابط از سر گرفته شد.

پیشنهاد چینی‌ها برای یک گفتگوی امنیتی با هند نتیجه قابل ملاحظه سفر جاسوات سینگ در نظر گرفته شد. این تغییر کانون توجه پکن در تغییر ناگهانی سیاست آن در قبال پاکستان و تأکید آن بر اینکه درگیری کارگیل باید به طور دیپلماتیک حل و فصل گردد، منعکس شد.

دیدار یک هفته‌ای جرج فرناندز، وزیر دفاع هند، در آوریل ۲۰۰۳ از چین از اهمیت نمادین شگرفی برخوردار بود. سفر وی به چین اولین دیدار یک وزیر دفاع هند از این کشور ظرف ده سال قبل از آن محسوب می‌شد.

در ژوئن ۲۰۰۳ واجپائی دیداری شش روزه از چین به عمل آورد. چین و هند پس از دو روز مذاکره اعلامیه‌ای را به امضا رساندند که اهداف و برنامه‌های مربوط به روابط دوجانبه را مشخص کرده و جزئیات همکاری بین آنها را تعیین می‌کرد. هند برای اولین بار تبت را به عنوان بخشی از خاک چین به رسمیت شناخت. چین نیز در اعلام آشکار سیکیم به عنوان بخشی از هند، با تجارت با این کشور از طریق سیکیم موافقت کرد؛ توافقنامه گشایش مراکز تجاری در مرز تبت - سیکیم، به طور تلویحی پیوستن سیکیم به هند، پس از ۲۸ سال به رسمیت شناخته می‌شد. مذاکرات هند و چین در این دیدار به امضای ۹ قرارداد انجامید که شامل تسهیل روند صدور روادید و ایجاد مراکز فرهنگی در پایتخت‌های مربوطه می‌شد. در نهایت دیدار واجپائی منجر به تقویت تجارت دوجانبه و افزایش آن به ۷/۶ میلیارد دلار در آن سال شد. دو سال بعد در دیدار آوریل ۲۰۰۵ جیابائو نخست وزیر چین از هند، دو دولت اعلامیه مشترکی صادر کردند که بر روابط آنها به عنوان یک مشارکت استراتژیک و همکاری برای صلح و آرامش تأکید داشت. بدین ترتیب،

پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در زمینه همکاری تجاری و مرزی به دست آمد. دو کشور در مورد پارامترهای سیاسی و اصول راهنما جهت تسهیل راه حلی ابتدایی برای اختلافات مرزی موافقت کردند. پکن و دهلی‌نو همچنین توافقنامه حمایت و ارتقای سرمایه‌گذاری دوجانبه را به امضا رسانده و میزان تجارت دوجانبه را برای سال ۲۰۱۰ رقم بسیار بالای ۴۰ میلیارد دلار تعیین کردند. یازده قرارداد و یادداشت تفاهم دیگر نیز به امضا رسید. دو کشور توافق کردند روابط خود را به یک مشارکت توأم با همکاری استراتژیک برای صلح و آرامش ارتقا دهند. بدین ترتیب، دو طرف می‌بایست یکدیگر را به عنوان شریک و نه رقیب یا دشمن تلقی کنند.

نتایج این دیدارهای رده بالا در زمینه‌های گوناگونی خود را نشان داد. مشخص‌تر از همه تجارت دوجانبه بود که از ۱۱۷ میلیون دلار در سال ۱۹۸۷ به ۲۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۶ افزایش یافته است. در ژوئیه ۲۰۰۶ دو کشور گذرگاه تاریخی ناتولا را که از زمان جنگ سال ۱۹۶۲ بسته بود، بازگشایی کردند تا به تجارت مرزی رونق دهند. علاوه بر این ساختاری برای گفتگوهای رده بالای منظم میان وزرای دفاع و نیروهای مسلح، گفتگوهای دفاعی سالانه، تمرین‌های نظامی مشترک و برنامه‌های آموزشی در زمینه‌های عملیات جستجو و نجات، مقابله با دزدان دریایی، مبارزه با تروریسم و سازو کاری برای سفر مقامات به کشورهای یکدیگر همچنین سمینارها و فرصت‌های مطالعاتی برقرار کرده‌اند.

دیدار سال ۲۰۰۶ رئیس‌جمهور چین، هو جین‌تائو، از هند که اولین دیدار یک رئیس‌حکومت چین از هند در نوع خود ظرف ده سال گذشته محسوب می‌شد، نقطه عطفی در روابط دوجانبه آنها تلقی شد. در طول این دیدار ۱۳ قرارداد به امضا رسید که گشایش کنسولگری چین در

کلکته و کنسولگری هند در گوانجواز جمله آنها بود. در این نشست در مورد یک استراتژی ۱۰ شاخه‌ای جهت تشدید همکاری و ارتقاء روابط استراتژیک و برنامه افزایش حجم تجارت دوجانبه به ۴۰ میلیارد دلار تا سال ۲۰۱۰ به توافق رسید.

در ژانویه ۲۰۰۸ مان موهان سینگ نخست‌وزیر هند به پکن رفت. در این دیدار سینگ گفت: حجم کل بازرگانی ما در سال ۲۰۱۰ از ۴۰ میلیارد دلار به ۶۰ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت.

نخست‌وزیران دو کشور همچنین سند چشم‌انداز مشترک چین و هند نسبت به قرن ۲۱ را امضا کردند. این سند شناخت مشترک دو کشور در مسائل مهم بین‌المللی و منطقه‌ای را نشان داده و این سند مهم دیگری است که راهنمای توسعه روابط چین و هند خواهد بود.

بدینسان به هیچ وجه تحت تأثیر پیشرفت‌های همکاری هند و چین قرار نگرفته و بهبود روابط آنها را به عنوان گامی ناپایدار می‌دیدند و تئوری اجتناب‌ناپذیری رقابت هند و چین را مطرح می‌کردند و می‌گفتند تشکیلات هند در ورای برقراری این روابط دوستانه ظاهری با چین، از هراس و سوءظن عمیقی برخوردار است. یکی از نگرانی‌های خاص دهلی نو چالشی است که اقتصاد و توان نظامی رو به رشد چین ممکن است در مسیر آرزوی هندی‌ها برای دستیابی به رهبری منطقه مطرح کند.

با این وجود ناظرانی هم وجود دارند که در مورد روابط بین این دو کشور خوشبین‌تر می‌باشند و معتقدند که جبهه اقتصادی واقعی‌ترین حوزه‌ای است که برقراری روابط در آن می‌تواند منافع متقابل هر دو کشور هند و چین را دربرگیرد. جیرام رامش، عضو برجسته حزب کنگره حاکم، در تحقیقی، مفهوم Chindia را برای اولین بار

بکار برد که به معنای همیاری میان دو غول آسیایی است. وی همکاری اقتصادی نزدیکتر بین هند و چین را بهترین راه ایجاد اعتماد و دوستی می‌داند که منتهی به صلحی پایدار میان این دو کشور خواهد شد.

۴. مهمترین عوامل تاثیرگذار در روابط

۱-۲. تغییر نگرش رهبران به روابط: تمرکز بر همکاری‌های تجاری و اقتصادی

از زمانی که روند ترمیم روابط دوستانه و همکاری چین- هند در سال ۱۹۸۸ آغاز شد، کانون توجه آن بر همکاری‌های تجاری و اقتصادی قرار داشته است نه امنیتی. تمرکز بر ایجاد همکاری اقتصادی راهی است که چینی‌ها از زمان پایان عصر مائو در روابط خارجی خود در پیش گرفته و به کشورهای دیگر نیز توصیه کرده‌اند.

اوایل سال ۱۹۸۴ هند و چین توافقنامه‌ای تجاری به امضا رسانده و در آن خواستار یک رفتار متقابل دولت کامله‌الوداد شدند. تجارت مرزی در ژوئیه ۱۹۹۲ از سر گرفته شد. هند تا چند سال پیش بیم آن را داشت تا در باتلاق واردات چین فرو رود اما تا سال ۲۰۰۴ از موازنه تجاری مثبتی برخوردار شد. وزیر بازرگانی هند، کمال نات اعلام کرد که چین مستعد تبدیل شدن به بزرگترین شریک تجاری هند در دو-سه سال آینده، پس از آمریکا و سنگاپور، است.

در سال ۲۰۰۵، تجارت دو طرفه آنها نسبت به سال ۲۰۰۴، ۳۷٪ افزایش پیدا کرده و به ۱۸,۷ میلیارد دلار رسید. در حالی که در سال ۲۰۰۲ حجم کل تجارت دوجانبه آنها فقط ۵ میلیارد دلار بود. بنابراین، چین به عنوان شریک تجاری اصلی هند در آسیای شمال شرقی جایگزین ژاپن شده و در مسیر پیشی گرفتن از آمریکا برای تبدیل شدن به شریک تجاری شماره یک این کشور ظرف چند سال آینده قرار دارد.

حجم بازرگانی دو کشور در سال ۲۰۰۷ به حدود ۳۸ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار رسید که ۳۳ برابر حجم بازرگانی آنها در سال ۱۹۹۵ است.

۲-۲. روابط چین و پاکستان

اگرچه عامل پاکستان دیگر از اهمیت سابق در روابط دوستانه دهلی نو با چین برخوردار نیست، اما به اصطلاح اتحاد چین- پاکستان همواره موضوعی بوده که در قراردادهای هند با چین مد نظر قرار می‌گرفته است. همکاری دفاعی چین با پاکستان همچنان در دستور کار هند قرار داشته است. هندی‌ها بسیار مایلند تأیید کنند که چین با گذشت سال‌ها موضع خود را در قبال مسأله کشمیر تغییر داده و اکنون آن را موضعی دو طرفه می‌داند که باید از طریق مذاکره میان دو کشور حل و فصل گردد. برخی معتقدند کمک چین به ساخت بندر گوادر در پاکستان از نظر هند به عنوان بخشی از طرح شیطان‌ی چین در مقابله با افزایش قدرت و نفوذ هند در امور جهان در نظر گرفته شد

۲-۳. مشارکت استراتژیک هند-آمریکا

اتکای فزاینده هند بر پشتیبانی آمریکا به دنبال اعلام رسمی ایجاد یک مشارکت استراتژیک هند و آمریکا، به ویژه قرارداد هسته‌ای، به عنوان تحولی انگاشته شد که می‌توانست مخمل روابط چین و هند گردد.

چینی‌ها با وجود همه مشکلات در مسیر برقراری ارتباط با آمریکا، هنوز دست از هدف حفظ یک مشارکت توأم با همکاری با واشنگتن به عنوان یک اولویت درجه یک برنداشته‌اند. منتقدان تأکید دارند که دوران خوش روابط چین- آمریکا زیاد به طول نخواهد انجامید. استدلال آنها این است که این رابطه یک دوستی موقت و مصلحتی در جهت منافع اقتصادی کوتاه مدت آنها می‌باشد. اما با توجه به تناقض‌های بین آنها این که چین

تا چه زمانی به اجرای بازی دوستی با این کشور ادامه خواهد داد مورد تردید همه قرار دارد.

چین اکنون مایل به ایفای نقش ابرقدرتی و رقابت با قدرت‌های دیگر در مورد رهبری یا حوزه‌های نفوذ نیستند، بلکه مطمئناً راه را برای ظهور یک بلوک قدرت باز خواهند کرد که قادر و مایل به چالش با رهبری ایالات متحده باشد. اینجا است که چین و هند خود را در جایگاه‌های روبروی یکدیگر خواهند یافت.

گفته می‌شد که چینی‌ها بر اساس این تصور که هند از قدیم کشوری غیرمتعهد بوده و سیاستی مستقل را در روابط خارجی خود دنبال می‌کرده، بنابراین می‌توان آن را مجاب به پایان هواداری از آمریکا کرد، سعی داشتند هندی‌ها را از پیوستن به اردوگاه آمریکا باز دارند. واضح است که چنین امری اتفاق نیافتاد. به خاطر شرایط جنگ ۱۹۶۲ و منازعه مرزی حل نشده چینی‌ها نمی‌توانستند به جلب اعتماد مجدد هند برای یک مشارکت دراز مدت امیدوار باشند. یکی از دلایلی که هندی‌ها برای دستیابی به مقام یک بازیگر جهانی در پی جلب پشتیبانی آمریکا هستند، انگیزه کسب قدرت اقتصادی و نیروی نظامی کافی برای رقابت با چین می‌باشد.

فرضیه‌ای رایج خصوصاً در پاکستان می‌گوید آمریکایی‌ها سعی دارند هند را به عنوان وزنه مقابل چین بالا برند. کمک به هند در ایجاد برتری سیاسی خود در منطقه و میان کشورهای همسایه و حمایت از نقش رهبری آن در جهان سوم، به ویژه در آسیا، بخشی از این برنامه است. اینکه دهلی نو تا چه حد آماده است تا به توصیه‌های آمریکا برای انجام این عمل به خاطر این برادر بزرگتر ادامه دهد به وضعیت پیرامونش بستگی دارد، اما هندی‌ها نیز در جبران خفت جنگ سال ۱۹۶۲ در ایفای این نقش ذی‌نفع می‌باشند. بنابراین، رقابت و مجادله با

چین مسیر احتمالی آینده هندی‌ها خواهد بود. اما احتمال روی آوردن آنها به جنگ برای حل این درگیری بسیار دور می‌باشد.

۳. درک متقابل دو کشور از یکدیگر

درک چین از برقراری روابط با هند

چین و ارزیابی یک هند در حال ظهور

ما جیالی، دانشمندی چینی ایجاد مشارکتی سازنده و توأم با همکاری بین این دو کشور در عصر بعد از جنگ سرد یک الزام تاریخی و همچنین اساساً در جهت منافع دو کشور بوده است.

هنوز کسانی در هند هستند که از دلالتی لا‌ما در مورد جدایی از چین، تلاش برای تبدیل تبت به یک منطقه حائل میان هند و چین و یا بهانه قرار دادن این موضوع برای تحت فشار قرار دادن چین پشتیبانی می‌کنند.

تحلیل‌گران چینی همچنین بر مدرنیزه شدن کامل نیروهای دفاعی هند وقوف دارند. بودجه دفاعی این کشور از ۱۳،۹ میلیارد دلار برای سال ۲۰۰۱-۲۰۰۰، ۲۸٪ افزایش نسبت به سال مالی قبل از آن به بیش از ۲۱ میلیارد دلار برای سال ۲۰۰۸-۲۰۰۷ افزایش یافته است. دهلی نو با تمرکز بر نوسازی نیروهای استراتژیک با بدست آوردن برنامه‌های کلیدی دریایی از روسیه در سال‌های اخیر دست به افزایش قابل ملاحظه توان دریایی خود زده است. نیروی دریایی این کشور در حال حاضر از نظر وسعت در رتبه هفتم جهان قرار داشته و تنها کشور آسیای جنوبی و یکی از ۹ کشور جهان است که دارای ناو هواپیمابر می‌باشد. این تحولات عواقب مهمی برای چین دربردارد.

اگرچه در گذشته چین با طرح مشکلات فراوانی که هند با آنها روبرو بوده مانند فقر، زیرساختار ضعیف و یک بوروکراسی کند سعی داشته این کشور را به عنوان یک رقیب همپایه کنار بزند، اما اکنون توجه خاص خود را بر تلاش هند برای دستیابی به مقام ابرقدرتی از طریق راه‌های دیپلماتیک و افزایش توان نظامی خود، مبذول داشته است. تحلیل چین در این مورد بر چهار محور متمرکز است: طرح ادعاهای منطقه‌ای و جهانی فزاینده دهلی نو، مدرنیزه شدن دفاعی قابل توجه آن، رابطه رو به پیشرفت هند- آمریکا و ابتکار عمل‌های منطقه‌ای جدید.

تحلیلگران چینی معتقدند هند در حال تلاش برای تحکیم بیشتر برتری خود در آسیای جنوبی و کنترل اقیانوس هند و ایجاد بازدارندگی حداقل، اما معتبری در مقابل چین می‌باشد. دیپلماسی فعال دهلی نو در سال‌های اخیر در جهت گسترش حضور در جهان و دستیابی به جایگاهی در صحنه جهانی. این استراتژی تلویحاً بر نیاز به متعادل ساختن قدرت نفوذ چین اشاره دارد.

چین توجه خاصی به رابطه دوستانه هند و آمریکا دارد چراکه تصور می‌کند واشنگتن سعی دارد دهلی نو را- اگر به عنوان بخشی از یک استراتژی مهار بکار نبرد- وزنه تعادل بالقوه‌ای در مقابل چین قرار دهد. ایالات متحده آشکارا بر ظرفیت هند به عنوان یک بازیگر سیاسی مهم، بازاری در حال ظهور، نقشی حیاتی در ثبات آسیای جنوبی و ظرفیت مقابله با چین تأکید دارد.

در بستر روابط نظامی فزاینده مانند فروش تجهیزات نظامی آمریکا به هند، تمرین‌های نظامی مشترک و مشاوره‌های نظامی منظم از جمله نگرانی‌های خاص چین محسوب می‌گردند.

هند روابط خود را با کشورهای ژاپن و عضو اتحادیه کشورهای آسیای جنوب شرقی، آسه آن (که بسیاری از

آنها درگیر اختلافاتی دائمی با چین هستند) و میانمار و ویتنام گسترش داده است. دیپلماسی دهلی نو در قبال کشورهای آسیای جنوب شرقی می‌تواند روابط چین- آسه آن را دچار مشکل سازد. همکاری‌های دریایی فزاینده هند- آسه آن ممکن است منافع دریایی چین را به خطر انداخته و حتی حل و فصل نهایی منازعات مرزی را در دریای جنوبی چین دشوارتر سازد. با توجه به موضوعات ارضی حل نشده چین با کشورهای دیگر، همکاری دفاعی هند- ویتنام نیز با بدگمانی مورد قضاوت قرار می‌گیرد.

اگرچه سطح کلی توسعه اقتصادی هند عقب‌تر از چین قرار دارد، اما به پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در صنایع تکنولوژی برتر دست یافته است. قرار گرفتن هند به عنوان یک هدف جالب توجه برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، رقابت برای بازار و انرژی و ایجاد یک الگوی جایگزین توسعه اقتصادی می‌تواند چالش عمده‌ای برای چین محسوب گردد. در ضمن قدرت اقتصادی می‌تواند نفوذ سیاسی و قابلیت‌های نظامی بیشتر برای هند به دنبال داشته باشد

درک هند در قبال چین

تبدیل شدن چین از یک تهدید به یک فرصت

به‌رغم وجود یک لابی ضد چینی که هنوز در مورد خوش‌نیتی چین در تلاش برای دستیابی به همکاری و دوستی با هند دچار تردید هستند، صحنه افکار عمومی هند نسبت به زمانی که چین یک تهدید امنیتی خوانده می‌شد دست‌خوش تغییر عقیده‌ای اساسی شده است. از این تغییر سیاست می‌توان به عنوان تغییر تئوری تهدید چین به فرصت چین یاد کرد. درحالی که برخی معتقدند که ترس از چین به تب چین منتهی شده است. دیپلماسی ماهرانه چین جذب کشورهای دیگر به عنوان الگویی برای توسعه و شریکی تجاری می‌باشد. اما هنوز نگرانی‌هایی

برای هند وجود دارد از جمله ساخت بندر گوادر در ساحل مکران پاکستان که با کمک چین صورت گرفت. یک مارشال بازنشسته نیروی هوایی هند آن را اتصال چین - پاکستان نامید که منجر به ایجاد تهدیدی جدی برای هند می‌شد.

برخی مقامات هندی معتقدند رشد اقتصادی هند تا سال‌های آتی ادامه خواهد داشت. اولویت هند نیز بیش از اینکه ژئواستراتژیک [جغرافیایی - سیاسی] باشد، ژئواکونومیک [جغرافیایی - اقتصادی] است. تهدیدهای هند همانا تهدید بر منافع اقتصادی این کشور است و هند مجبور است منازعات مرزی جغرافیایی را فراموش کند و باید خود را به گونه‌ای مهیا سازد تا آماده دفاع از منافع اقتصادی خود حتی خارج از مرزهای جغرافیایی خود باشد. در دیدار سینگ از چین در سال ۲۰۰۸ نیز بر این نکته تاکید شد که هند به درک جدیدی از تحولات منطقه‌ای رسیده است که برقراری امنیت را نه در منازعات مرزی که در تداوم توسعه اقتصادی می‌بیند. هند معتقد است سیاست خارجی چین ارتقاء توان نظامی و اقتصادی در جهت دست یافتن به برتری منطقه‌ای در آسیا را هدف خود قرار داده است. تلاش چین بر صلح آمیز جلوه دادن افزایش قدرت خود به این منظور است که از نگرانی‌های همسایگان خود بکاهد تا مبادا آنها در صدد مقابله با قدرت نفوذ فزاینده آن برآیند. آمادگی چین در مذاکره با دیگر کشورهای منطقه و نشان دادن خود به عنوان یک قدرت مسؤول نیز در نظر کشورهای دیگر نشانه‌ای است از اینکه در اتحاد با چین منافع بیشتری نهفته است تا به نوعی مخالفت با قدرت آن.

اما چین هم‌زمان با اعلام این موضوع که تا چند سال آینده تلاش‌های خود را بر پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی داخلی متمرکز خواهد ساخت، فعالانه

سیاست‌هایی را تعقیب کرده تا مانع افزایش قوای دیگر قدرت‌های منطقه یا حداقل تحدید پیشرفت آنها نسبت به خود شود.

نتیجه‌گیری

با وجود این که روابط هند و چین طی دهه گذشته به پیشرفت‌های مهمی نائل شده است، موانع در مسیر توسعه بیشتر همچنان باقی است. همکاری این دو کشور مثل دو معبد بودایی است، یکی نرم افزار و دیگری سخت افزار، تجارت‌های هندی و چینی تقریباً به حالت رقابتی در می‌آید. در حال حاضر چین به راحتی در صنعت مسلط است و هند در خدمات و سرویس. با این حال، چین تلاش می‌کند تا پا را فراتر بگذارد و در خدمات وارد شود و هند نیز در صنعت.

چین حرکت جهانی شدن و توسعه اقتصادی را زودتر از هند آغاز کرده است و تنوع محصولات صادراتی بیشتری دارد. هندوستان در بخش سرویس و خدمات پیشی گرفته است و در صنعت هم در حال پیشرفت است. علاوه بر این، کنترل هند بر بازرگانی غربی با تضاد و مخالفت کمتری روبه رو می‌شود زیرا در مقایسه با چین، یک کشور آسیای جنوبی، از نظر سیاسی به عنوان یک طرفدار دموکراسی، از لحاظ شباهت زبانی با انگلیسی و از نظر اجتماعی یکی از اعضای گروه کشورهای مشترک المنافع محسوب می‌شود.

برخی محققان معتقدند هند و چین یکدیگر را تکمیل می‌کنند و به ظهور یکدیگر به مثابه دو ابرقدرت اقتصادی کمک می‌کنند. در واقع همکاری هند و چین با یکدیگر که بتدریج در حال وقوع است، تعریف تازه‌ای از تجارت جهانی در سال‌های آینده ارائه خواهد داد.

به‌رغم هشدارهایی که در مورد تأثیر ناگوار شکوفایی اقتصادی هند و چین در غرب و به ویژه آمریکا شنیده

می‌شود، برخی نشان می‌دهند که کمپانی‌های غربی بیش از همه از شکوفایی اقتصادی این دو کشور بهره برده‌اند. اما هند و چین تنها مناسبات تولید را دگرگون نکرده‌اند، بلکه با خیل عظیم جمعیت دارای درآمد پایین و زیر متوسط خود بازار مصرف را نیز به شیوه‌ای بی‌سابقه دست‌خوش تغییر کرده‌اند.

خواسته‌های دو ملت حاکی از آینده پر از رقابت است، رقابتی که هر دو آنها را عموماً به گسترش منافع ملی از طریق یافتن سرمایه و بازار فروش می‌کشاند و

همه اینها با چهره ظاهراً آرام اما در پس پرده با نیروی نظامی قدرتمند صورت می‌گیرد. با توجه به مشکلات برون مرزی و رقابت در منابع طبیعی همزمان با حرکت آهسته نظام بین‌المللی، نکته حائز اهمیت برای آسیا و سایر کشورهای جهانی این است که چگونه دهلی نو و پکن فراز و نشیب‌های تغییر موضع اقتصادی و میدان رقابت‌های آتی یکدیگر را مدیریت خواهند نمود.

زیبا فرزین نیا

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی